

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَوَى خُون می دهد»

سمیرا خطبی



سرشناسه : خطبی، سمیرا، ۱۳۸۱-
عنوان و نام پدیدآور : «لاله‌ای که بوی خون می‌دهد» / سمیرا خطبی.
مشخصات نشر : اردبیل: باغ رضوان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۲۹ ص: ۱۴۸۵/۲۱/۵ س.م.
شابک : : 978-600-7931-93-6 ۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : خطبی، سمیرا، ۱۳۸۱- -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان
موضوع : Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs
موضوع : شهیدان - ایران
موضوع : Martyrs - Iran
رده بندی کنگر : PIR۸۲
رده بندی دیویی : ۸۱۶۲/۸۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۸۰۴۳/۴

شناسنامه کتاب

❖ نام کتاب : لاله‌ای که بوی خون می‌دهد	❖ نوبت چاپ، سال : اول، ۱۳۹۸
❖ مؤلف : سمیرا خطبی	❖ تعداد جلد : ۱۰۰۰۰
❖ ناشر : انتشارات باغ رضوان	❖ قیمت : ۲۰۰۰۰ ریال
❖ چاپ و صحافی : شقایق	❖ شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۳۱-۹۳-۶
❖ قطع : رقعی	❖ ISBN : 978-600-7931-93-6

کلیه حقوق قانونی و مادی و معنوی برای مؤلف و ناشر محفوظ است. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق تکثیر تمامی یا قسمتی از این مجموعه را ندارد. در صورت مشاهده تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

آدرس انتشارات : اردبیل، میدان ورزش، اول خیابان معادی، روبروی بانک ملی

۰۴۵- ۳۳۲۳۸۲۷۱ - ۰۹۱۴۴۵۲۱۵۰۷

مقدمه :

هنوز نمی دانم تا چه حدی می توانم جمله بسازم، اما می خواهم از ته دلم برای شهیدان سوگواری کنم. نویسنده نیستم و از فوت و فن نویسندگی خبری ندارم. اما قدرت شهیدان آنقدر زیاد است که قوانین نویسندگی جلوی آن کم می آید. برای نوشتن این کتاب فقط کتاب مطالعه کرده ام و اساس های خودم را نوشته ام. امیدوارم شما مطالعه کننده های عزیز، کمی هم که شده خوشتان آمده و یادی از لاله های کشورمان (شهیدان) کرده باشید.

امروزه آب و هوای کشورم بوی خون را به خود گرفته است. این بوی خون از کشور مسلمان می‌آید، از کشورم ایران، ایرانی که مهر دلیران، سرزمین شیر زنان و شیر مردان در همه، عصرهای خویش بوده است. این شهیدان روحیه‌های خودشان را، از لابه لای قران گرفته اند. آنها در خاک‌های مقدس، پیرشیده اند همان خاک‌های مقدس، آبروی خون آنها را نگهداشته است. گه دال خاک، خون شهیدان وطنم را به خود جذب کرده است، تا نروده نشود. شهیدان وطنم، عزیز دل هر پیرزن و پیرمردی است که، فرزندان دل بندشان را در سن جوانی داماد خاک کرده اند. آنها عرو این پیرزن و پیرمرد هستند. شهیدان بیشتر از همه خدا را احساس می‌کنند. قطره‌های خون تو، ای شهید، غروب خورشید را رنگ کرده است. شهادت طلوعی زیباست، برای زندگی که من در دنیایی که خیلی‌ها از آن هراس دارند، اما شهیدان با عرو و با افتخار جان خودشان را به خداوند پس داده اند. آنها امانت‌دار، وفاداری هستند. همه‌ی نعمت‌های خداوند در مقابل شهیدان حرف

می‌زنند، آنها مقابل این بزرگواران حرف زیادی برای گفتن دارند از زبان آنها اینگونه می‌نویسم :

خاک

من بمان نمی‌هستم، که تو را از من آفریده‌اند. من خودم را برتر می‌دانم بمان روزی که برای خلق کردن تو از من استفاده کرده بودند. فکر نمی‌کردم عزیزی مثل تو و امثال تو به وجود بیایند، تو در آغوش من به خاطر من جان داده‌ای. تو مرا ناموس خویش دانستی. معروزم. اما ناراحت. ولی شهادت غم خوردن نمی‌خواهد. هر کسی لایق شهادت نیست. خیلی‌ها وجودشان از من اما روحشان از نفس خسته دیده شده است و همان انسان‌ها به ما خیانت کرده‌اند. تو بمان از هر کسی در دنیا عزیزی داشتی و برای آنها نیز عزیز بودی. اما برای ما و خدایت عزیزتر از آن هستی. گرد و غبار در هوا می‌پایند، روزی که تو چندین نفر را بر سر من هوا برده‌ای. سنت بالا نبود، اما تو دلاوری هستی که خیلی‌ها باید از تو غیرت را یاد بگیرند.